

#### نقدفیلم

سروش خلیانی آکارشناس سینما

### روایتی از بازی کثیف نفتی در آمریکا

طلای سیاه از زمان کشف توسط بشر ارزشمند بوده و بارها هم موجب تولید ثروت و هم باعث جنگ و خونریزی شده است؛ اما بهره‌گیری از این پدیده کلیدی در هنر نمایش و ایجاد سینمایی با فضا و فرم مناسب کار آسانی نیست. فیلم «خون به پا می‌شود» (There Will Be Blood) با تکیه بر بازی متد اکتیینگ دنیل دی لوئیس، محصول سال ۲۰۰۷ میلادی و به کارگردانی بیل توماس اندرسون، در این زمینه موفق عمل کرده و نام آن برای دوستداران سینما آشناست. داستان فیلم در اوایل قرن بیستم، یعنی سال ۱۹۱۱ میلادی، در آمریکای هنوز متمدنی‌نشده روایت می‌شود و دوربین کارگردان بیشتر دشت‌ها و بیابان‌های جنوب آمریکا را به نمایش می‌گذارد.

به جرات می‌توان گفت که ۵۰ دقیقه ابتدایی این فیلم ۱۵۸ دقیقه‌ای فوق‌العاده است و ما را کاملاً با فضای خشک و کویری ایالات نفت خیز آمریکا، مسافرت‌های طولانی، کمبود غذا و پول آشنا می‌کند و ترکیب آن با حس جست‌وجگری و جاه‌طلبی برای استخراج نفت و ثروتمندشدن توسط کاراکتر اصلی با بازی دنیل دی لوئیس یک فرم غالب به ما می‌دهد و ما به راحتی با ماجراجویی و فرصت‌طلبی او همراه و خیلی زود طرفدارش هم می‌شویم که در ابتدای فیلم به شدت کاراکتر است و از تیپ فراتر رفته، به گونه‌ای که فرمول‌های کلی شخصیت او را به ما می‌دهد، سکوت‌ها به اندازه است و قاب‌های کارگردان کاملاً تنهایی او و پسرش در بین مردم روستاها را نمایان می‌کند. روستاها و آبادی‌هایی که او و پسرش برای پیداکردن و استخراج نفت یکی پس از دیگری می‌روند و سخنرانی‌های تقریباً دروغینی برای مردمانش انجام می‌دهد که با حفاری زمین‌های شان و استخراج نفت چین و چنان می‌شود و مردم هم با شوق و ذوق به حرف هایش گوش می‌دهند که البته میزانشن کارگردان در نمایش ارتباط بین کاراکتر اصلی بنام (دنیل) و مردم و پلان‌های جلسات مردمی قدری ناتوان است و به نظر می‌رسد دوربین کارگردان به جمعیت‌های زیاد عادت ندارد و تفکیک پلان‌ها برای منسجم‌کردن کلی فضا برای سینمایی‌کردن آبادی‌ها و مردم شکل نمی‌گیرد و مورد خیلی مهم در بازی و به خصوص چشم‌های بازیگر اصلی یعنی دی لوئیس نمایان است. یکی ضد اجتماعی بودن و دیگری جاه‌طلبی بدون شوق که هر دو تا واسط فیلم به خوبی حفظ و اجرامی شود اما یک نقطه انفصال در اثر همه چیزابه افول می‌برد، حادثه و انفجاری مهلک در چاه نفتی که عده‌ای کارگر و پسر دنیل روی آن کار می‌کنند به ناشنوا شدن پسرپچه منجر می‌شود. پس از این ماجرا چند حس مهم در اثر ناتوان در اجراست، مهم‌تر از همه ترازیک بودن این اتفاق برای پدر ایدا در اثر ساخته نمی‌شود با این‌که فیلم در ابتدا به ما مختصات یک رابطه قوی و جدی را بین پدر و پسر می‌دهد. همچنین در نیمه پایانی فیلم پدر برای رسیدن به خواسته‌هایش و خرید زمین‌های بیشتر برای استخراج نفت پسر ناشنوایش را ترک می‌کند و بعد از چند سالکس سریع از قراردادهای کاری و خرید و فروش‌ها پدر بعد از مدتی دوباره پسرش را می‌بیند که ما با یک کاردربندی بزرگ از بیابان مواجهیم و یک نمای اکستریم لانگ‌شات که به لانگ‌شات تبدیل می‌شود و در همان حالت باقی می‌ماند و به همراه میزانشن نامناسب حس و فضای بدون جزئیات به ما می‌دهد.

#### خبر

از چهارشنبه، هشتم اسفندماه، اکران نوروزی سال ۱۴۰۴ به‌طور رسمی آغاز شد و هفت فیلم پسر دلفینی ۲، بامبولک، عینک قرمز، دایناسور، پیشمرگ، رها و موسی کلیم‌الله در سینماها به نمایش درآمدند. البته قرار بود فیلم «کوکتل مولوتف» هم از چهارشنبه، هشتم اسفند در سینماها به نمایش درآید ولی اکران

### ترکیب متنوع گیشه اکران نوروزی

# هویت گمگشته ایرانی در دریا

### «پسر دلفینی ۲» با تکیه بر جلوه‌های بصری خیره‌کننده، از پرداختن به مفاهیم اصیل قصه‌گویی هویت ایرانی و منطق داستانی بازمانده و فرصت خلق اسطوره‌های بومی را از دست داده است

«پسر دلفینی» حاصل تلاش تیمی حرفه‌ای در حوزه انیمیشن است که در کنار نشان‌دادن مهارت‌های بالای انیماتورهای ایرانی، توانسته ارزآوری برای تیمش و این صنعت ایرانی داشته باشد. شرکت «انیمیشن آسمان خیال» با اثری که یک سر و گردن از سطح انیمیشن‌های ایرانی بالاتر است، ثابت کرده که می‌توان از نظر فنی پایه‌پای آثار معروف و محبوب دنیا پیش‌رفت و علی‌رغم همه تحریم‌ها، توجه مخاطب جهانی را به انیمیشن‌های ایرانی جلب کرد. اما آیا این همه ماجراست؟ سینمایی پسر دلفینی علی‌رغم انیمیشن متفاوت، صدایشگی حرفه‌ای و موسیقی خوب داستان نداشت. درواقع این انیمیشن بر هیچ بنا شده است؛ شاید این حرف به مذاق بسیاری خوش نیاید، اما واقعیت تلخ این است که بهترین انیمیشن از نظر فنی، وقتی داستانی جفت‌وبست‌دار نداشته باشد مثل دکوراسیونی گران قیمت است که صرف خانه‌ای نیمه‌ساز یا در حال تخریب شده باشد. هدف از ساخت فیلم با انیمیشن این است که داستان و ماجرابی را برای مخاطبین به تصویر بکشد، اما وقتی داستانی نباشد مخاطب حرفه‌ای متوجه ضعف کار می‌شود و این ضعف می‌تواند بقیه اثر را هم تحت‌الشعاع قرار دهد.

#### جامانده در کلیشه‌ها

پسر دلفینی داستان نوزادی است که پدر و مادرش در اثر سانحه‌ای هوایی از بین رفته‌اند و این بچه که در دریا افتاده توسط یک دلفین بزرگ می‌شود. در نوجوانی متوجه تفاوت خود با آنها می‌شود و به دنبال ریشه خود می‌گردد و این‌گونه با دنیای انسان‌ها آشنا شده و به راز والدینش پی می‌برد. تا اینجا داستان شباهت نعل به نعلی به «تارزان» یا «پسر جنگل» دارد. البته این شباهت درونمایه داستانی فی‌نفسه ایرادی ندارد. آثار زیادی با الهام از داستان‌های معروف بازسازی می‌شوند. اما مشکل اینجااست که داستان پسر دلفینی از این فراتر نمی‌رود و نمی‌تواند نسخه خودش را ارائه دهد. ما

در ادامه فقط ترکیبی از

انیمیشن‌های پری دریایی کوچک، موآنا و پنگوئن‌های ماداگاسکار را می‌بینیم و درنهایت هم داستان با پایانی گنگ به اتمام می‌رسد. حالا بعد از دو سال و در جشنواره چهل‌وسوم یکی از انیمیشن‌های اکران‌شده پسر دلفینی ۲ است. دنباله‌ساختن برای انیمیشن مسأله عجیبی نیست. مخصوصاً اگر داستان قبلی ایرادهای بزرگ داشته باشد و امید می‌رود که ضعف‌های داستانی آن رفع شده، ابهام‌هایش پاسخ داده شده و حالا ترکیبی دلچسب از داستانی قوی و انیمیشنی استخوان‌دار می‌بینیم. اما متأسفانه، نه‌تنه این‌طور نشد، بلکه حتی اوضاع داستان و قصه‌گویی در این قسمت بدتر هم شد. خلاصه‌همه نقدی که می‌خواهم بنویسم این است که ای‌کاش عوامل پسر دلفینی این سینمایی را با همه خوب و بدش کنار می‌گذاشتند و در مسیر اوج رهایش می‌کردند تا این‌که با این داستان ضعیف آن را از جایگاه قبلی پایین‌تر بیاورند. «پسر دلفینی ۱» مثل بادکنکی کوچک و نازک بود که تا حد توان باد شد. دمیدن دوباره در آن در بهترین حالت، بادکنک را بزرگ‌تر نمی‌کند؛ اگر باعث ترکیدنش نشود. همه این تلاش و زحمت می‌توانست صرف داستانی جدید شود.

#### در جست‌وجوی هویت

در قسمت دوم، پسر دلفینی بین دریا و خشکی در رفت‌وآمد است. دریا دیگر مثل سابق خانه او نیست، اما بین آدم‌ها هم احساس تعلق ندارد. دوست دارد پسری معمولی باشد اما همه فقط به چشم قهرمان به او نگاه می‌کنند. پسر متوجه می‌شود که حتی اسمی هم ندارد و همه او را

آن به نیمه اسفندماه موکول شده است. در میان فیلم‌های اکران نوروزی کمدی «دایناسور» بیشترین مخاطب را در دو روز اول داشته تا در ادامه اکران سال ۱۴۰۳، بارهم یک کمدی پیشتاز فروش بیشترین بلیت در سینماها باشد. دو فیلم پرفروش دیگر موسی کلیم‌الله و رها هستند که در کنار دایناسور ترکیب متنوعی از فیلم‌های

اجتماعی، دینی و کمدی را در صدر جدول فروش عرضه می‌کنند. علاوه بر فیلم‌های اکران نوروزی، چند فیلم دیگر هم که از ماه‌های گذشته به سینماها آمده بودند همچنان اکران خود را ادامه می‌دهند که از بین آنها می‌توان به خرجنگ، ساعت جادویی و معجزه پروین اشاره کرد که در آخرین روزهای دی‌ماه به چرخه اکران اضافه شدند.

#### سطح بالای شعارزدگی

دوم حجم بالای شعارزدگی و پیام‌های گلدرشت و مستقیمی که در فیلم به زور می‌خواهد به مخاطب نوجوان حقه‌کند. پسر دلفینی ۲ مسأله قهرمان و قهرمان بودن را در تقابل با هویت فردی و تلاش برای رسیدن جایگاه مطلوب نشان می‌دهد. مدام این مسأله را تکرار می‌کند که قهرمان‌ها همان آدم‌های عادی هستند و قهرمان و ناجی لازم نیست ویژگی خاصی داشته باشد. این حرف از جهانی درست است و هرکس می‌تواند تلاش کند تا هم برای خود و هم برای جامعه ناجی باشد. اما همه ماجرا نیست. قهرمان بودن نیازمند این است که فرد به حدی از رشد شخصیتی رسیده باشد که بتواند ناملایمات را به خاطر بقیه تحمل کند و حتی تحمل نامهربانی جامعه با خود را داشته باشد. چیزی که در این داستان طور متفاوتی نشان داده شد و قهرمان‌های قدیم جامعه به دلیل نامهربانی مردم یا ضداجتماع شدند یا به گوشه عزلت رفته‌اند.

درواقع، ایراد بزرگ اکثر انیمیشن‌های ایرانی در این انیمیشن با شدتی بیشتر تکرار شده است؛ انیمیشن‌هایی که برای طیف سنی کودک‌ونوجوان ساخته شده‌اند، در روندی عجیب‌وغیرقابل درک برای صاحب‌نظران، به دنبال القای این نکته به مخاطبین خود هستند که احتیاجی به قهرمان ندارند و قهرمان وجود ندارد. این قهرمان‌زدایی ظاهراً در تقابل با انیمیشن‌ها و فیلم‌های ابرقهرمانی خارجی و به خصوص آمریکایی است. اما مگر هرچه از سمت آنها مطرح شود بد است که ما برای تقابل باید به‌کُل صورت مسأله را حذف کنیم؟ مسأله قهرمان و الگوسازی از قهرمان مسأله‌ای غیرقابل انکار برای مخاطب کودک‌ونوجوان است. اگر به جای تلاش برای حذف این مسأله، سعی کنیم قهرمان‌های مناسب از نظر فرهنگ ایرانی ارائه دهیم، کارمان موثرتر نیست؟

#### برش

### بیگانه ایرانی!

پسر دلفینی ۲، به مثابه نمادی دوباره از صنعت انیمیشن ایران، در میانه قله‌های فنی و دره‌های روایی گیر افتاده است. این اثر با جلوه‌های بصری حیرت‌انگیز و استانداردهای جهانی، کام بلندی در نمایش توانمندی‌های فنی انیماتورهای ایرانی برداشته، اما در سایه ضعف مغرط قصه‌پردازی، شخصیت‌سازی ناکارآمد و گمگشتگی هویتی، به جای تبدیل شدن به پرچمدار «روایت اصیل شرقی»، به تقلیدی ناقص از فرمول‌های هالیوودی بدل شده است. فیلمنامه این دنباله، با انبوهی از پیام‌های شعارزده (از نفی قهرمان‌گرایی تا تلاش برای عرفی‌نمایی ناجیان) و شخصیت‌های بی‌ریشه (مانند دختر ناشنوا ی فاقد کارکرد روایی)، نه‌تنها نتوانسته درد هویت‌جویی نوجوان ایرانی را بازتاب دهد، بلکه با حذف نشانه‌های بومی چون جغرافیای جنوب ایران یا روایت مقاومت در برابر تهاجم خارجی (که در قسمت اول کمرنگ حضور داشت)، فضایی فاقد رنگ‌وبوی فرهنگ ملی خلق کرده است. نکته ترازیک ماجرا اینجااست که فیلمسازان، به جای بهره‌گیری از ظرفیت‌های اسطوره‌ای ایران (همچون داستان‌های شاهنامه یا افسانه‌های دریایی خلیج فارس)، ترجیح داده‌اند با کپی‌برداری سطحی از عناصر آثار موآنا و پری دریایی کوچک، خود را در گرداب رقابتی بی حاصل با غول‌های انیمیشن جهانی بیندازند. نتیجه؟ انیمیشنی که در سینمای ایران «بیگانه» می‌نماید و در عرصه جهانی نیز فاقد امضای منحصربه‌فرد است.

#### چهره

### یادی از بزرگان متولد اسفند

مراسم پاسداشت هنرمندان پیشکسوت متولد اسفندماه با حضور چهره‌های سرشناس هنری و فرهنگی در مجموعه باغ زیبا برگزار شد. در این مراسم، حسین انتظامی، معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و داریوش ارجمند، رئیس هیأت‌مدیره مؤسسه هنرمندان پیشکسوت حضور داشتند. هنرمندانی مانند رشید وطن‌دوست، که ترانه «دل‌یار» را اجرا کرد و خانواده‌های هنرمندان درگشته نیز در این برنامه شرکت کردند. در این مراسم، کلیپی از فعالیت‌های گذشته مؤسسه پخش گردید و یاد هنرمندان فقید گرمی داشته شد. انتظامی و ارجمند در سخنرانی‌های خود بر اهمیت حمایت از هنرمندان پیشکسوت تأکید کردند. ارجمند همچنین از تغییر نحوه پرداخت بودجه به مؤسسه تقدیر کرد و خواستار توجه بیشتر به نیازهای این هنرمندان شد. در پایان، به هنرمندان متولد اسفند هدایایی از جمله تندیس و هدیه‌ای متبرک از حرم امام‌رضاع(ا) اهدا شد و مراسم با عکس‌های یادگاری به پایان رسید.



#### رویداد

### حضور «برهوت» در نپال

فیلم سینمایی «برهوت» که کارگردانی منصور وثوقی و تهیه‌کنندگی محمد کمالی‌پور در بخش مسابقه اولین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم جاناکیپور در کشور نپال به نمایش درمی‌آید. این جشنواره مهم در جنوب آسیا، از ۲۸ فوریه تا ۲ مارس ۲۰۲۵ (۱۰ تا ۱۳ اسفند ۱۴۰۳) در شهر تاریخی و فرهنگی جاناکیپور در کشور نپال برگزار می‌شود. این رویداد سه‌روزه با نمایش مجموعه متنوعی از فیلم‌ها در ژانرها و سبک‌های مختلف تجربه‌ای همه‌جانبه برای فیلمسازان و علاقه‌مندان به فیلم بوده و فرصتی برای فیلمسازان به‌منظور به اشتراک‌گذاری داستان‌های منحصربه‌فرد خود از سراسر دنیا خواهد بود. علاوه براین، در این رویداد مسترکلاس‌های بین‌المللی با حضور فیلمسازان مشهور، کارگاه‌های عملی فیلمنامه‌نویسی، کارگردانی و فیلمبرداری برگزار خواهد شد. فیلم برهوت در هفتمین حضور بین‌المللی خود، در میان نامزدهای دریافت جایزه بهترین فیلم بلند داستانی در جشنواره بین‌المللی جاناکیپور بوده که به مرحله نیمه‌نهایی راه یافته است.



### پیش‌پرده رسمی «پیشمرگ» منتشر شد

همزمان با آغاز اکران نوروزی فیلم سینمایی «پیشمرگ» به کارگردانی علی غفاری و تهیه‌کنندگی آرش زینال‌خیری، آئونس رسمی این فیلم سینمایی منتشر شد.

مهدی نصرتی، الناز ملک، حسام منظور، ساناز سعیدی، عبدالرضا نصاری، مهیار شاپوری، بهرام ابراهیمی، محمد اشکان فر، سیروس سپهری و آرش آصفی گروه بازیگران پیشمرگ را تشکیل می‌دهند. این اکشن-تریلر، روایتی واقعی و قهرمان‌محور از یک عملیات پیچیده و جاسوسی است که در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت و به عنوان فیلم برگزیده تماشاگران نیز انتخاب شد. این فیلم محصول بنیاد «روایت فتح» و تهیه‌شده در انجمن سینمای دفاع‌مقدس است که پخش آن را مؤسسه بهمن سبز بر عهده دارد و اکران آن از هشتم اسفند در سینماهای سراسر کشور آغاز شده است.